

فهرست

٧	الدرس الاول: من آيات الأخلاق
١٦	الدرس الثاني: في محضر المعلم
٢٧	الدرس الثالث: عجائب الأشجار
٣٧	الدرس الرابع: آداب الكلام
٤٩	الدرس الخامس: الكذب يفتاح لكل شر
٦١	الدرس السادس: أنه ماري شيمل
٦٩	الدرس السابع: تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية
١٠٢	باستقامه تشریحی

الدرس الأول

من آيات الأخلاق

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن﴾ والحجرات ٢١
وای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیار از گمان بپرهیزید.

﴿يا أيها الذين آمنوا لا يصخر قوم من قوم عسى أن يكونوا خيراً منهم ولا يساء من يساء عسى أن يتكف خيراً منه﴾ ولا تمشروا بالألقاب. يفسن الاسم فسوقاً تغذ الإيمان. و من تم يثب فأولئك هم الظالمون. يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن. إن بغض الظن إثم. و لا تجسوا و لا تقتب بغضكم بغضاً أجبك أخذكم أن يأكلن لحم أخيه ميتاً فكر شهوة و اتقوا الله إن الله تواب رحيم﴾

صخر من مسخره كرد (صخر، يشخر، مصدر، مخرجة)	إثم، گناه - ذنب
لا يشخر، نباید مسخره کند.	تجسس، جاسوسی کرد (تجسس، يتجسس)
عصى، شاید - زتماً	إغتاب، غیبت کرد (اغتاب، يغتاب)
أن يتكف، که باشند (کان، يتكون)	لا تقتب، نباید غیبت کند.
أن يتكونوا، که باشند (کان، يتكون)	تغص - تغص، یکدیگر
لتز، عیب گرفت. (مহারج، يلجز)	لحم، گوشت (جمع، لحم)
قتاب بالألقاب، به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (قتابز، يتتابز)	هيشه فرده (جمع، أهوات، هؤتي، ع خي
يفس، بد است.	كره ناپسند داشته. (كره يتكره)
فسوق، آلوده شدن به گناه	إثمي، پروا کرد (إثمي، يثمي)
تاب، توبه کرد (تاب، يتوب)	إتوا الله، از خدا پروا کنید.
لم يقتب، توبه نکرد.	تواب، بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده

ترجمه متن: وای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی دیگر را ریشخند کنند، شاید آن‌ها از خودشان بهتر باشند و نباید زنانی را (دیگر) را [ریشخند کنند] شاید آن‌ها از خودشان بهتر باشند و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و به همدیگر لقب‌های زشت ندهید. آلوده شدن به گناه پس از ایمان، اسم بدی است. و هر کس توبه نکند آنان ستمکارند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیار از گمان (از بسیاری از گمان‌ها) بپرهیزید که بعضی گمان‌ها گناه است و جاسوسی نکنید و غیبت یکدیگر نکنید. آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مرداش را بخورد؟ این کار را ناپسند می‌دارید و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

﴿خذ یكون بین الناس من هو أحسن مما، فقلینا أن تبعید عن العجب و أن لا تذکر عیوب الآخرین ینکلام خفی أو یاشاره فقد قال امیر المؤمنین علی (ع): ما أکبر العیب أن تعیب ما فیک مثله﴾

قد: گاهی، شاید (بر سر مضارع) قد یتکون: گاهی می‌باشد	آخرین دیگران
اگر هدهه بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.	
عجب، خودپسندی	خفی، پنهان، ظایر
	عاب، عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (مহারج، تعیب)

ترجمه متن: «گاهی میان مردم کسی هست که از ما بهتر است، پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پوشیده یا با اشاره ذکر نکنیم. امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده‌اند: بزرگ‌ترین عیب آن است که عیبی را بجویی که مانند آن در خودت باشد.»

﴿تضحنا الآية الأولى و نقول: ﴿لا تعیبوا الآخرین. و لا تلقیوهم بالآتاب ینکزهوتها. یفسن العمل فسوقاً! و من یفعل ذلک فهو من الظالمین﴾

خَرَمٌ، حرام کرد. (خَرَمٌ، يُخَرَمُ)	تصحنا ما را نصیحت می کند. (نا، مفعول)
بشن، بد است.	لقب، لقب داد (لقب، یُلقَبُ)

ترجمه متن: آیه نخست، ما را اندرز می دهد و می گوید: «صیب جویی دیگران نکتید و به آنان لقب‌هایی که ناپسند می دارند، ندهید آلودگی به گناه بد است و هر کس چنین کند در این صورت از ستمگران است.»

﴿إِذَنْ لَقَدْ حَرَمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

- ① «الاستهزاء بالأخرين، و تسميتهم بالأسماء القبيحة.»
 - ② «سوء الظن و هو اتهام شخصي لشخصي آخر بدون دليل منطقي.»
 - ③ «التجسس، و هو محاولة قبيحة لكشف أسرار الناس يفضحهم و هو من تجاير الذنوب في مكتبتنا و من الأخلاق السيئة.»
 - ④ «و الغيبة، و هي من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس.»
- شئی بغض المُفسرين سورة الحُجرات التي جاءت فيها هاتان الآيتان بسورة الأخلاق.

استهزاء، ریشخند کردن (استهزاء، يستهزئ)	فضح، رسوا کردن
تسمیة، نام دادن، نامیدن (تسمی، یُسمی)	تجاير، گفتمان بزرگ و مفرد، تمیزه
محاولة، تلاش	أهم، مهم ترین
فیج، زشت	تواصل، ارتباط (تواصل، يتواصل)

ترجمه متن: بنابراین، خدای بلندمرتبه در این دو آیه حرام ساخته است:

- ① «ریشخند کردن دیگران و نامیدن آن‌ها با اسم‌های زشت»
 - ② «بدگمانی و آن عبارت است از اتهام زدن کسی به کسی دیگر بدون دلیلی منطقی»
 - ③ «جاسوسی و آن عبارت است از تلاشی زشت برای آشکار ساختن رازهای مردم و برای رسوا کردنشان که از گناهان بزرگ در آیین ما و از اخلاق بد است.»
 - ④ «غیبت و آن از مهم‌ترین دلیل‌های قطع ارتباط میان مردم است.»
- برخی مفسران سورة «حُجرات» را که در آن این دو آیه آمده است، سورة «اخلاق» نامیدند.

الأركان للمعرب

مترادف	متضاد	مفرد	جمع
انقر - افح	ساء، خشن	كبيرة	تجاير
عسى - زتما	هيت ء حي	لحم	لحوم
إنم - ذنب	هل ء امتدى	هيت	أموات: موتی
ظلم - جلي	التهي ء الأمر	أح	إخوان: إخوة
هيت - هيت	فخوره متواضع	بهيمة	بهائم
عاب - لمز	أردل ء افضل	فستان	فساتين
تجيز ين - استهرا	الزجائي ء الساتني	يعر	أسعار
	معروف ء فتنر	يروال	سراويل
	صداقة ء عداوة	مصنع	مصانع
	غالي ء رخيصة	متاجر	متاجر
	فيج ء كرهه	ميزان	موازين

خَيّ، به شتاب	متجّر، مغازه
أمدى، مدیه کرد.	زميل، منکار، منکلاسی
القلق، سبیده دم	تخفيص، تخفيف
غليظه، چیره شد، غلبه کرد	ساء، بد شد.
جاوله ستيز كن، گفت و گو كن	عذبه، عذاب داد.
فلّ، همراه شد.	لأتمّم، تا كامل كنم.
يعر، قيمت (جمع، أسعار)	خشنته، نيكو گردانیدی.
تويّته، جنس	ميران، ترازو (ترازوی اعمال)
المعرفة، شناخت	سكينة، آرامش
بهائم، چاربايان	زاند، به اهاضه
غثارة، بسیار آمرزنده	ناقص، منها
عداوة دشمنی	يُكلّف، متكلّف می کند.

اسم تفضیل

حروف اصلی و وزن کلمات

در زبان عربی، افعال و بعضی اسم‌ها از سه حرف اصلی و تعدادی حرف زائد ساخته می‌شوند. حروف اصلی که ریشه کلمه هستند کلیت معنی کلمه را مشخص و حروف زائد جزئیات معنی را تعیین می‌کنند.

برای مثال سه حرف اصلی «ح-م-د» را در نظر بگیرید و به کلماتی که می‌تواند از این سه حرف ساخته شود، توجه کنید:
 ح-م-د ← حامد (ستایشگر) / محمود (ستایش شده) / حمد (ستایش) / حَمْدٌ (ستایش کرد) / يَحْمَدُ (ستایش می‌کند)
 در همه این کلمات معنی ستایش وجود دارد؛ ولی با توجه به وزن‌های متفاوت، معنای متفاوتی دارند.
 در سال گذشته با سه نوع اسم که از ریشه فعل ساخته می‌شود، آشنا شدید. (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)

الفاعل	اسم المفعول	الاسم المبالغه
عالم	معلوم	صبار
مَنْزِلٌ	مَنْزِلٌ	عَلَمٌ

در این درس با دو نوع دیگر از این اسم‌ها که از ریشه فعل ساخته می‌شوند، آشنا می‌شوید.
 نام تفضیل، کلمه‌ای است که معنای برتری را در خود دارد و برای مقایسه دو فرد یا دو چیز و یا مقایسه یک فرد یا یک چیز با افراد و چیزهای دیگر به کار می‌رود. در واقع، اسم تفضیل معادل صفت‌های «برتر» و «برترین» در فارسی است.
 در زبان عربی اسم تفضیل بر وزن «أفعل» و «فعلی» ساخته می‌شود. به عنوان مثال اگر سه حرف اصلی «ک-ب-ر» را به این دو وزن بیاورید کلماتی ساخته می‌شود که دلالت بر معنی تفضیلی (برتری) دارند: «ک-ب-ر» ← أكبر، کبری

اما چرا دو وزن؟ تفاوت دو وزن در کاربرد چیست؟

می‌دانید که اسم‌ها در زبان عربی مذکر و مؤنث دارند. «أفعل»، «اسم تفضیل» مذکر و «فعلی»، «اسم تفضیل» مؤنث است.

مثال:

علیُّ أكبرُ التَّمِيزِ في صَفَاةِ (علی بزرگ‌ترین دانش‌آموزان در کلاس ما است)

رایتٌ أختی الکبری. (خواهر بزرگم را دیدم)

همان‌طور که در مثال‌های فوق مشاهده می‌شود: «أكبر» چون به علی اشاره می‌کند بر وزن «أفعل» آمده و «کبری» چون صفت برای اخت است بر وزن «فعلی».

حال به این جمله توجه کنید: فاطمة أكبرُ من زينب. (فاطمه از زینب بزرگ‌تر است)

فاطمه و زینب هر دو مؤنث هستند، پس چرا در این جمله از «أكبر» بر وزن «أفعل» استفاده شده است؟ آیا این جمله نادرست است؟
 خیر، این جمله درست است؛ زیرا در زبان عربی اگر بخواهیم دو اسم را با هم مقایسه کنیم همیشه از وزن «أفعل» استفاده می‌شود، حتی اگر هر دو اسم مؤنث باشند. توجه کنید برای مقایسه دو اسم، حرف جز «من» در عربی به کار می‌رود؛ بنابراین می‌توان گفت: قبل از «من» همیشه «أفعل» می‌آید نه «فعلی».

کاربردهای «اسم تفضیل»

نام تفضیل، دو کاربرد دارد:

① به عنوان صفت

علیُّ الأصغر (علی کوچک‌تر) یا فاطمةُ الکبری (فاطمه بزرگ‌تر)

② برای مقایسه بین دو یا چند چیز

جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جَبَلِ في إيران. (کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است)

⊗ چگونگی ترجمه «اسم تفضیل»

(الف) اگر بعد از نام تفضیل، حرف جز «من» بود، به همراه «تر» ترجمه می‌شود.

آسیا أكبرُ من أوروبا. آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

(ب) اگر بعد از نام تفضیل، مضاف‌إلیه آمده بود، به همراه «ترین» ترجمه می‌شود.

آسیا أكبرُ فَزَاتِ الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

جمع «اسم تفضیل»

برای جمع بستن اسم تفضیل، «افعل» معمولاً وزن «أفعل» به کار می‌رود.

اکبر ← اکابر افضل ← أفاضل

«امکان» بر وزن «أفعل» است، اما به نظر نمی‌آید که اسم تفضیل باشد؟ درست است که برای جمع بستن اسم تفضیل، معمولاً آن را به وزن «أفعل» می‌بریم؛ ولی این به آن معنی نیست که هر اسمی که بر وزن «أفعل» باشد اسم تفضیل است. حتماً باید به معنای کلمه و مفرد آن توجه کرد. به همین دلیل «امکان» جمع «مکان» به معنی «جاها، مکان‌ها» اسم تفضیل نیست.

بررسی دو کلمه «خیر» و «حسن»

این دو کلمه گاهی اسم تفضیل هستند. برای این که مشخص شود اسم تفضیل هستند یا خیر باید به کاربرد و معنای آن‌ها در جمله توجه شود. اگر این کلمه‌ها به همراه «تر» یا «ترین» ترجمه شوند، اسم تفضیل هستند. دقت داشته باشید این کلمات در دو حالت حتماً اسم تفضیل هستند اول این که اگر پیش از حرف جرّ «من» قرار داشته باشند و دوم در صورتی که مضاف واقع شوند.

مثال: خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. (بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست) / تَنْكُرُ سَاعَةَ خَيْرٍ مِنْ يَبَادَةِ تَبَعِينَ تَنَةً. (ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است) در جمله اول «خیر» مضاف است و در جمله دوم «خیر» پیش از «من» قرار دارد.

گاهی این کلمه‌ها معنی اسم تفضیل ندارند و ممکن است معادل «خوب» و «بد» ترجمه شوند و یا معنای مصدری داشته باشند؛ یعنی معادل «خوبی» و «بدی» ترجمه شوند.

مثال: الخَيْرُ فِي مَا يُرِيدُ رَجِيًّا. (خوبی در آن چیزی است که پروردگارم می‌خواهد)

«اسم مکان»

اسم مکان بر محل انجام کار دلالت دارد و از ریشه فعل ساخته می‌شود.

«مکتب» کتابخانه» اسم مکان است که از فعل «كَتَبَ» ساخته شده است.

اسم مکان بر وزن‌های مختلفی می‌آید، «مفعل»، «مفعِل»، «مفعلة» و وزن «مفَعَّل» پرکاربردتر است.

مَلْعَب - ورزشگاه (محل بازی کردن)	مَطْعَم - رستوران (محل غذاخوردن یا طعام خوردن)
مَصْنَع - کارخانه (محل ساختن و صنعت)	مَطْبَع - آشپزخانه (محل پختن و طبع کردن)
مَحْضَب - کجاوه (محل حمل کردن)	مَثَرَل - خانه (محل نشستن)
مَكْتَبَة - کتابخانه (محل کتاب خواندن)	مَطْبَعَة - چاپخانه (محل طبع کردن یا چاپ کردن)

معمولاً جمع اسم مکان بر وزن «مفاعِل» است؛ مانند مدارس، ملاعب، مطاعم و منازل.

آیا می‌توان گفت هر کلمه‌ای که بر وزن «مفعِل» یا «مفاعِل» باشد حتماً اسم مکان است؟ در تشخیص اسم مکان دقت داشته باشید که هم وزن مهم است و هم معنا. به عنوان مثال «المصنف» مکان هست؛ اما اسم مکان نیست یا «هلینس» بر وزن «مفعِل» است؛ اما اسم مکان نیست.

عَرَبَنَ اسْمَ التَّضْيِيلِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ

۱) أَكْثَرُ فَيْتَامِينَ لِلْبُرْتَالِ فِي قَشْرِهِ.

۲) أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.

۳) تَلَّ الصَّاعِقُ تَهِيْمًا رَكِيًّا فِي الْفُلُوتِ.

«اکثر» در جمله اول و «خیر» در جمله دوم اسم تفضیل هستند. در جمله اول چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه آمده است به صورت «بیشترین» ترجمه می‌شود و در جمله دوم، بعد از اسم تفضیل، «من» آمده؛ لذا به صورت «بهتر» ترجمه می‌شود.

در جمله سوم «صاعق» بر وزن «مفاعِل» اسم مکان است و مفرد آن «مصعق» است.



بهتر است بدانید

- ⊙ رنگ‌ها و عیب‌ها که مذکر آن‌ها بر وزن «افعل» و مؤنث بر وزن «فعلاء» می‌آیند، اسم تفضیل به حساب نمی‌آیند. «سبز: أخضر، خضراء» / «سفید: أبيض، بیضاء»
- ⊙ وزن «افعل» مشترک بین اسم و فعل است برای تشخیص آن علاوه بر معنا به بعضی موارد باید دقت کرد.
- ⊙ اگر وزن «افعل» مضاف باشد یا بعد از حرف جرّ «من» بیاید، حتماً اسم تفضیل و همچنین اگر پیش از حرف جرّ «من» باشد عموماً اسم تفضیل است؛ ولی اگر بعد از وزن «افعل» فاعل یا مفعول آمده باشد این وزن، بر «فعل» دلالت می‌کند.
- مثال:** أنا أفدرُّ منك علی تهیئة الخبز. من از تو بر تهیه نان تواناترم. / أفدر = اسم (اسم تفضیل)
- ⊙ أعلمُ الناس من جتخ علمُ الناس إلی علمه. داناترین مردم کسی است که دانش مردم را با دانش خودش جمع کند. / أعلم = اسم: الناس = مضاف‌الیه أعلم ما لا تعلمون. می‌دانم آنچه را شما نمی‌دانید. / أعلم = فعل: ما = مفعول
- ⊙ اسم‌هایی مانند «قطار، هزار، صر، مفر» اسم مکان بر وزن «فعل» هستند که در اصل «قطیر، هزار، هزیر، فزیر» هستند.
- ⊙ اسم‌هایی مانند «علی، ادنی» اسم تفضیل بر وزن «افعل» هستند که چون آخرین حرف اصلی آن‌ها به «و» یا «ی» است، آخر آن به «ئ» ختم شده و با صدای «آ» خوانده می‌شود.
- ⊙ اسم‌هایی مانند «أقل، أشد أحب» بر وزن «افعل» هستند که در حروف اصلی آن‌ها دو حرف هم‌جنس قرار دارد و به همین دلیل آخر آن‌ها تشدید می‌گیرد. أقل ← أقلّ

پرسش‌های تشریحی درس اول

بخش اولگان

الف) ترجمه‌ی کلمات الثالیه.

۱. یُسّ الاشمُ السوّی یغذّ الایمان. إثمًا یُعشک لأتتم مکارم الأخلاق.
۲. القیة من أهم أسباب قطع التواضع بین الناس. ذلك متجر زمیلی.
۳. لا تُقبوهم بالقباب ینکرونها. هو أعلم بنن ضل عن سیله.
۴. إن بغض الظنّ إثمٌ. شرُّ الناس ذو الوجعین.

ب) عین المترادف و المتضاد.

۵. الثمانی، أعلى، حی العاقل، عاب، ماء عسی، خفی، رخیص، إثم، الجاهل، حسن الوجائی، أرخص، ذكب، غالی، ژئما، هیته، قاهر، نعر.

..... *
..... *

ج) اذکر مفرد أو جمع الكلمات.

۶. مفرد ← کبار: أنقاب: أرادل: أفاضل: أموات: سراویل:
جمع ← بهیمة: هتب: فکتب: بیعر: زمیل: کستان:

د) ترجمه‌ی الأفعال الثالیه.

۷. ینکرونها: قد ینکون: لا تجسوسوا: جادلهم: أعطینی: یعیث: قلیث: أعود:
لا یعتقد: هشی:

بخش ترجمه

الف) ترجمه‌ی الجمل الثالیه.

۸. قد ینکون بین الناس من هو أخصن بقا.

۹. أَكْبَرُ الْغَيْبِ أَنْ تُعَيَّبَ مَا فِيكَ مِنْهُ.
۱۰. هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ يَكْشِفُ أَسْرَارَ النَّاسِ لِفُضْجِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ.
۱۱. الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُّعِ بَيْنَ النَّاسِ.
۱۲. إِنَّ رَبَّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ.
۱۳. اشْتَرَيْتُ قَمِيصًا أَيْضًا مِنْ مَتَجِرٍ صَدِيقِي.
۱۴. مِنْ سَاءِ شُكْلِهِ عَدَّبَ نَفْسَهُ.
۱۵. يَا سِتَارَ الْعَيُوبِ وَ يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ.
۱۶. أَيْجِبُ أَخَذَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ نَحْمَ أَخِيهِ مِمَّا تَكْفُرُ بِهِمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ.
۱۷. فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ.

(ب) کتل الفراضات في الترجمة الفارسية.

۱۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ غَضِيَ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَ لَا يَسَاءَ مِنْ لِسَاءٍ.
۱۹. ای کسانی که نباید مردمانی مردم دیگر را شاید آن‌ها از خودشان باشند نه زانی زتان (دیگر) را.
۲۰. هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ يَكْشِفُ أَسْرَارَ النَّاسِ لِفُضْجِهِمْ.
- آن زشت برای کشف اسرار مردم است.
۲۱. تَضَخْنَا الْآيَةَ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا نَعْبُدُ إِلَّا الْآخِرِينَ.
- آیه و می‌گوید: از دیگران
۲۲. فَعَلِمْنَا أَنْ نُبْعِدَ عَنِ الْعَجَبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ غُيُوبَ الْآخِرِينَ.
- بر ما لازم است که از و این که عیب‌های دیگران را
۲۳. خَيْرَ إِخْوَانِكُمْ مَن أهدى إِلَيْكُمْ عَيْبَكُمْ.
- بهترین کسی است که را به شما
۲۴. لَا يَكْتَفِ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَاسْتَعَا.
- خداوند کسی را جز
۲۵. لَيْسَ شَيْءٌ أَثَقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْخَسِرِ.
- در چیزی از نیست.

(ج) انتخاب الترجمة المناسبة.

۲۵. إِذَا بُعِثَ لِأَنْتُمْ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ.
- الف) فرستاده شدم تا بزرگواری‌های اخلاق را تمام کنم.
- ب) مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق تمام شود.
۲۶. هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ.
- الف) او داناست به آن کس که از راهش گمراه کرد.
- ب) او داناتر است به کسی که از راه او گمراه شد.
۲۷. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنْهُ.
- الف) گاهی بین مردم کسی است که از ما برتر است.
- ب) بین مردم کسی است که از ما برتر بوده است.
۲۸. الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنَبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ وَ الْإِثْمِ.
- الف) ای کسانی که ایمان آوردید بسیار از گمان و گناه پرهیزید.
- ب) کسانی که ایمان آوردند از بسیاری گمان و گناه دوری کردند.
۲۹. لَا تَقْرَبِينَ
- الف) نزدیک نمی‌شوید.
- ب) نزدیک نکنید.
۳۰. عَلَّمَنَ
- الف) آموزش دادند.
- ب) آموزش دهید.

۳۱. ما انگزنا
الف) نشکتم.
ب) نشکته‌ایم.
۳۲. اهدینا
الف) هدیه دادیم.
ب) هدایت کردیم.

بخش خواننده

- الف) عین المطلوب منك.
۳۳. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا. (اسم التفضيل، المضاد إليه)
۳۴. أَكْبَرُ الْفَيْبِ أَنْ تَعَيَّبَ مَا فِيكَ مِنْهُ. (المبتدأ، الجار والمجرور)
۳۵. هُوَ لِحَاوَلَتِهِ قَبِيحًا يَكْشِفُ أَسْرَارَ النَّاسِ لِفَضْلِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَالِ الذُّنُوبِ (جمع المكسر)
۳۶. الثَّقِيْنَةُ مِنْ أَهْلِ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاقُلِ بَيْنَ النَّاسِ. (مصدر افعال گروه دوم، اسم التفضيل)
۳۷. إِنْ رَتَكَ أَعْلَمَ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ. (الفعل الماضي، اسم التفضيل)
۳۸. اشْتَرَيْتُ قَمِيصًا أَيْضًا مِنْ مَتَجَرِّ صَدِيقِي. (اسم المكان، الصفة)
۳۹. مِنْ مَاءٍ حُلِقَهُ عَذَبٌ نَفْسِهِ. (الفاعل، المفعول)
۴۰. يَا سَتْرَ الْعِيُوبِ وَ يَا عِلَامَةَ الْفِيُوبِ. (اسم المبالغة)
۴۱. أَيْجِبُ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ نَحْمَ أَخِيهِ دَيْنًا مَكَرَهُمْسَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ ثَوَابٌ رَحِيمٌ. (المحل الإعرابي مع في كرهتموه، أحده)
۴۲. فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ. (المحل الإعرابي رسول، سكينته)

ب) اَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحَسَابِيَّةَ.

۴۳. تسعون تقسيم على خمسة يساوي ثمانية عشر.
۴۴. عشرون في خمسة يساوي مئة.
۴۵. سبعة عشر زائد ثلاثة عشر يساوي ثلاثين.
۴۶. اثنتا عشرة ناقص أحد عشر يساوي واحد.
۴۷. تسعة و تسعون ناقص ثلاثة وثلاثين يساوي ستة وستين.

ج) عَيْنُ الْمَطْلُوبِ فِي الْعِبَارَاتِ وَ التَّرَاكِيِبِ التَّالِيَةِ.

۴۸. مِنْ أَكْبَرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا الْاسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ.
اسم التفضيل: الجار والمجرور: المصدر:
۴۹. لَا تُقْبِوْهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا.
فعل النهي: جمع المكسر: المحل الإعرابي ضميرها:
۵۰. يَا غَفَّازَ الذُّنُوبِ يَا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ.
اسم الفاعل: اسم المفعول: اسم المبالغة:
۵۱. رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.
فعل الأمر: ضمير دوم شخص: المحل الإعرابي أرحم:
۵۲. شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَدُّ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.
اسم التفضيل: المحل الإعرابي الخيانة: نوع الفعل: لا يعتد:
۵۳. إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.
المحل الإعرابي الأفاضل: مفرد أفاضل: معنى أراذل:

٥٤. نصحنا الآية الأولى.

الفاعل: _____ المفعول: _____ الصفة: _____

٥٥. انتخب الجواب الصحيح.

٥٥. إنما بعثت لأتكم مكارم الأخلاق. (فعل المجهول: (أتتم، بعثت)

٥٦. إن بعض الظن إثم. (مترادف إثم: (ذنب، ذنب)

٥٧. اتهام شخصي لشخص آخر بدون دليل منطقي. (كلمة مناسبة لهذه العبارة: (التجسس، سوء الظن)

٥٨. خير إخوانكم من أهدى إليكم سيوبكم. (اسم التفضيل: (أهدى، خير)

٥٩. الشعي لمعرفة أسرار الآخرين أمر جميل. (الخبر: (أمر، معرفة)

٥٦. كمل الجدول التالية.

الحروف الأسيية	المصدر	الشي	الأمر / التهي	المضارع	الماضي
_____	إحسان نيكي كردن	لا تحسبون نيكي نسي كتييد	أحيونا _____	نحيين _____	لدا أحسنت _____
_____	اجتناب دوری كردن	لا تجتنب _____	اجتنبوا _____	سوف يجتنبان _____	اجتنت _____
_____	تعذيب عذاب دادن	ما عذبت _____	لا تعذبني _____	تعذبين _____	عذبنا _____
_____	استرجاع پس گرفتن	لا تسترجعون _____	استرجعوا _____	تسترجعون _____	استرجعوا _____
_____	تعرج نانش آموخته شدن	ما تفرجت _____	لا تفرجي _____	ساتفرج _____	تفرجنا _____
_____	اشتغال كار كردن	لا تشتغلين _____	اشتغل _____	تشتغلن _____	لدا اشتغلتم _____
_____	محاولة تلاش كردن	ما حاولنا _____	حاولي _____	سوف يحاول _____	حاول تلاش كرد

بذل مفهومي و حرف

الف) أجب عن الأسئلة حسب النص.

٦١. بم (بملا) شينة عمل الغيبة؟

٦٢. هل يجوز التجسس على ما فعل زملائي؟

٦٣. أي سورة في القرآن شئت بسورة الأخلاق؟

٦٤. ماهي الأعمال التي تمننا الله من ارتكابها؟

٦٥. لمن هذا الحديث، أكبر القيب أن تعيب ما فيك ومثله؟

٦٦. من هو مخاطب الله في هاتين الآيتين (حجرات ١٢ و ١١)؟

ب) اقرأ النص ثم أجب عن الأسئلة.

(سراسر السان)

إن أول مسؤولية للمرأة عنايتها بالأسرة. فإن الأخلاقيات التي تراها خارج المنزل ليست إلا نتيجة للبدن الأول الذي يدرته الأم في البيت. فالأم ترسم في ذهن الطفل الغايات التي سيبلغها في حياته. ولذلك نعتقد أن الإصلاح الحقيقي للأمة هو تربية البيت. إضافة على ذلك فمن المسؤوليات الأخرى للمرأة مشاركتها في الخدمات الاجتماعية، و من أفضلها مكافحة (مبارزه) الفقر و مكافحة الجهل و مكافحة المرض.

٦٧. الأم المثالية هي التي _____

- ١) تجمع بين المسؤوليات الاجتماعية و الأسرية.
٢) لا تعمل خارج البيت و تحب أن تكون لها أولاد كثيرون.
٣) تتابع الأمراض و تصبح طيبة و تترك تربية أطفالها.
٤) لا تهتم بالمسؤوليات الاجتماعية و تتمسك بتربية أولادها.

٦٨. كيف تتحقق مكافحة المرض من جانب الأم؟ عيّن الخطأ:

- ١) إذا علمت أبناءها الاجتناب عن الجرائم.
٢) حين أصبحت طيبة و عالجت الأمراض.
٣) إذا مرض الطفل و عالجه الأطباء.
٤) حين قامت بتربية طفلها سالم.

۶۹. ۱) ان كان يتشع سعيدة، واما جريمة، عين الصحيح للفراغ:
 ۱) الطفل / امرأة / يقوم به - ۲) الإنسان / ثفالة / لم يتم به - ۳) المنزل / باعلاق / لم تنتشر - ۴) المجرم / بأسرة / لم يرتكب
۷۰. المقصود من النص هو
 ۱) احترام الأم في المجتمع.
 ۲) اختصاص التربية بالبنات.
 ۳) عدم أهمية تربية البنين في تقدم المجتمع.
 ۴) أهمية دور الأم في إصلاح المجتمع.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول

بخش واژه

۷۱. عين الجملة التي ليست فيها الأسماء المتضادة:
 ۱) نرشد أولادنا إلى الابتعاد عن الأزدل و التترب إلى الأفاضل.
 ۲) أريد حقيبة رخيصة، هذه الأسعار غالية.
 ۳) عين الصحيح:
 ۴) لا يكف الله نفساً إلا وسعها.
- ۱) مكلف نمی‌شود. - توانایی‌اش
 ۲) توانایی‌اش - توانایی‌اش
 ۳) مكلف نشد - فراوانی‌اش
 ۴) تكليف نكن - توانایی‌اش
۷۲. عين الخطأ:
 ۱) إنم - معصية / أعلى، أسفل
 ۲) رجال - نساء / ساء - عذبت
 ۳) أكرم، كبراء
 ۴) مطعم، قطاعم
- ۱) أردل - أفضل / غالي - رخيص
 ۲) استهزاء - شعریة / يتكره - يحب
 ۳) لحم الحام
 ۴) ذكبه اذتاب

بخش ترجمه

- عين الأصح و الأدق في الترجمة:
 ۷۵. لا تلقبوهم بالقاب يكرهونها
 ۱) به آن‌ها لقب‌هایی که ناپسندشان می‌دارند، تندی.
 ۲) به یکدیگر عنوان‌هایی ناشایست تندی و آن را ناپسند دارید.
 ۳) باید حجت‌أحدکم أن یاکلن لحم أخیه ميتاً فکرتهموء.
 ۴) آیا هیچ کسی می‌خواهد که گوشت مرده برادرش را بخورد، پس دوری کنید.
 ۱) آیا کسی از شما دوست داشت که گوشت برادر مرده را بخورد، لذا آن را زشت می‌شمارید.
 ۲) آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مردش را بخورد، لذا آن را ناپسند می‌دارید.
 ۳) آیا کسی دوست دارد که گوشت برادر مرده را بخورد، لذا آن را ناپسند می‌دارید.
 ۴) «تصحننا الآية الأولى و تقول: لا تعيبوا الآخرين»
 ۱) اولین آیه نصیحتان کرد و می‌گوید، عیب‌جویی یکدیگر را نکنید.
 ۲) آیه نخست، ما را پند می‌دهد و می‌گوید، از دیگران عیب‌جویی نکنید.
 ۳) آیه اول نصیحتان می‌کند و می‌گوید هرگز از دیگران عیب‌جویی نکنید.
 ۴) آیه، ابتدا ما را پند می‌دهد و می‌گوید، نباید عیب‌جویی دیگران باشیم.
۷۸. على الشباب احترام الوالدين خاصة في أيام الشيبه
 ۱) بر جوانان ماست احترام والدین مخصوصاً در زمان پیری آن‌ها.
 ۲) به‌مخصوص در زمان جوانی احترام به پدر و مادر واجب گشته است.
 ۳) در غایات بلدنا الخضراء أشجارٌ كثيرة.
 ۴) در جنگل‌های سرزمین ما درختان فراوانی وجود دارد.
 ۱) در شهر سرسبز ما جنگل‌هایی با درختان بسیار است.
 ۲) درختان فراوان در جنگل‌های سرزمین سبز ما وجود دارد.
۸۰. يوم العدل على القائم أشد من يوم الجور على المظلوم.
 ۱) روز دادخواهی برستمگر سخت‌تر از روز ستم بر ستم‌دیده است.
 ۲) عاقبت ستمگری دادخواهی شدید ستم‌دیدگان است.
 ۳) روز دادخواهی از ستمگر دشوارتر از روزی است که ستم‌دیده دیده شود.
 ۴) ستمگر باید منتظر روزی باشد که ستم‌دیده انتقام خود را از او بگیرد.

(سرزمین بهایی)

(سرزمین استان)

(سرزمین استان)

(احرار صری را می)

۸۱ «الهیام واجبٌ علی الجميع و نحن کسنا هذا العام کالشوات الماضية.»

- ۱ بر همگی ما روزه واجب است: لذا ما امسال هم مثل سال‌های گذشته روزه می‌گیریم.
- ۲ بر جمیع ما روزه گرفتن لازم است: لذا ما مثل سال‌های گذشته روزه دار بودیم.
- ۳ روزه بر همگی واجب است و ما امسال چون سال‌های گذشته روزه گرفتیم.
- ۴ روزه‌داری بر جمیع ما واجب می‌باشد ما امسال را همچون سال پیش روزه گرفتیم.

(احرار صری هنرا)

۸۲ «كان يُعَلِّمُ النَّاسَ كيف يعيشون في سعادة.»

- ۱ به مردم می‌آموخت چگونه در خوشبختی زندگی کنند.
- ۲ مردم آموخته بودند که چگونه در خوشبختی زندگی کنند.
- ۳ به مردم یاد داده بود چگونه در خوشبختی زندگی کنند.
- ۴ مردم چگونه در خوشبختی زیستن را از او یاد گرفته بودند.

(احرار صری المانی)

۸۳ «كان ذلك الزجل يذهب بالبين إلى الشوق لبيعه للناس.»

- ۱ آن مرد شیر را به بازار می‌برد تا آن را به مردم بفروشد.
- ۲ آن مرد با شیر به بازار رفت تا آن را به مردم بفروشد.
- ۳ آن مرد شیر را به بازار برده تا آن را به مردم بفروشد.
- ۴ آن مرد با شیر را به بازار رفته بود تا به مردم بفروشد.

(احرار صری هنرا)

۸۴ «كانت محارِبُ اللَّيْلِ قد عرفت عن عبادة جنودنا في الحرب العدوانيَّة أشياء كثيرة.»

- ۱ رزمگاه‌های شب از عبادت شجاعان ما در جنگ تحمیلی آگاه بودند و چیز زیادی را می‌دانستند.
- ۲ عبادتگاه‌های شبانه از عبادت قهرمانان ما در جنگ تحمیلی چیزهای زیادی می‌شناخت.
- ۳ محراب‌های شب از عبادت سربازان ما در جنگ تجاوزگرانه چیزهای زیادی را شناخته بودند.
- ۴ محراب‌های شب از عبادت سربازان ما در جنگ تجاوزگرانه چیز زیادی را متوجه شده بود.

(احرار صری نوری)

۸۵ «في تاريخ أمتنا العريقة كثير من الشعراء كانوا من طبقة النساء الفاضلات.»

- ۱ در تاریخ اصیل ملت ما بسیاری از شاعران هستند که از طبقه زنان لاهل برخاسته‌اند.
- ۲ در تاریخ ملت اصیل ما بسیاری از شاعران لاهل از طبقه زنان برخاسته‌اند.
- ۳ در تاریخ ریشه‌دار امت ما شاعران بسیاری از طبقه زنان لاهل بوده‌اند.
- ۴ در تاریخ امت ریشه‌دار ما بسیاری از شاعران از طبقه زنان لاهل بوده‌اند.

پیش مفهومی و درک

(احرار صری نوری)

۸۶ «عین الجواب الصحیح لهذا السؤال: «متى تُسافر إلى القرية؟»

- ۱ اسافر في أيام العطلة.
- ۲ تسافر إلى القرية في أيام العطلة.
- ۳ تسافرون إلى القرية في أيام العطلة.

۸۷ «اللَّهُمَّ كما حَسَّنْتَ خلقي فحَسِّنْ خلقي.» عین الأبعد عن المفهوم:

- ۱ محسن الخلقى تصت الذين.
- ۲ من ساء خلقه غَدَّبَتْ نفسه.
- ۳ خير إخوانكم من أهدى إليكم عيوتكم.
- ۴ ليس شيء أثل في الميزان من الخلقى الخسيرا.

(احرار صری را می)

۸۸ «اقرأ النض التالي بدقة، ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النض:

«من المؤكَّد أن الكلب حيوانٌ يعيش على تناول اللحم والعظم، ولكن أدرك العلماء أخيراً إنَّ الكلب إذا اشتدَّ به الجوع ولم يجد طعامه المحبب، يتلجأ إلى تناول النباتات والأعشاب وأنه يقدر أن يبقى على هذه الحالة حتى آخر عمره. وقد أكد العلماء أنَّ الكلب الذي يتعوَّد أكل النباتات يتنسى بعد فِدةً أطعمته المحبوبة، أي: اللحم والعظم، ويصبح حيواناً نباتياً. هذا الكلب يفقد الكثير من صفات الكلب العادي، ويعمل وكأنه حيوان آخر.»

متى يصبح الكلب حيواناً نباتياً؟

- ۱ إذا تناول العظم واللحم.
- ۲ إذا عاش قرب الأعشاب والنبات.
- ۳ إذا وجد طعامه المحبب.
- ۴ إذا لم يجد عند اشتداد جوعه لحماً ولا عظماً.

عین الخطأ:

- ۱ الجوع هو السبب لتغيير عادات الكلب.
- ۲ أكل النباتات يُرَجِّح تناول العشب والنبات.
- ۳ لا يمكن تغيير عادات الحيوانات.
- ۴ الحيوان النباتي، إضافة إلى تغييراته الغذائية، تتغير عاداته الأخرى.

۹۰ عین الصحیح: الكلب النباتي هو الكلب الذي

- ۱ يتناول الأعشاب واللحوم و.
- ۲ يتغير كثير من عاداته الغذائية و.
- ۳ تبدلت عاداته الغذائية فقط.
- ۴ أصبح حيواناً آخر يشبه سائر الكلاب.

پیش توانم

(احرار صری را می)

۹۱ عین ما ليس فيه إسمٌ تفضيل:

- ۱ أخي أفضل مِنِّي في الدرس.
- ۲ هذا الجيل أعلى جيل في بلادی.
- ۳ الخبز فيما نجَّه.
- ۴ تعليم الأطفال خیر الأعمال.

عین إسم التكان:

- ۱ ليس شيء أثقل في الميزان من الخلقى الخسري.
- ۲ لا ترفع صوتك فوق صوت والدیک.
- ۳ ربي صانع كلِّ مضمون.
- ۴ في هدیبیتنا أربع کتاب.

(مراستی‌ها)

۹۳. عین اسم التفضیل مجروراً بحرف الجز:
- یهدی تیاراً اجنل من هذه السياره.
 - مساعده الناس من أحب الأعمال عند ربی.
۹۴. كم اسم تفضیل في هذه العبارة؟ «قلب القلم أشد قسوة من الحجر بل هو أفضل.»
- واحد
 - ثلاثة
 - أربعة
 - اثنان
۹۵. عین الصحیح عن التأوی؟
- اسم الفاعل
 - اسم المفعول
 - اسم المكان
 - المصدر
۹۶. عین الصحیح عن «أعلم» على حسب الترتیب؟ «أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه و إني أعلم ما لا تعلمون.»
- اسم التفضیل - اسم التفضیل
 - اسم التفضیل - الفعل المضارع
 - اسم التفضیل - اسم التفضیل
 - الفعل المضارع - الفعل المضارع
۹۷. عین ما فيه اسم التفضیل أكثر:
- تولون الحياء الدنيا و الآخرة خير و ابی.
 - خير الأمور أوسطها.
۹۸. عین ما ليس فيه اسم التفضیل خيراً:
- إن رتک هو أعلم بکن شل عن سیله.
 - أنا ألدز منك على تهیة الخیر.
۹۹. عین اسم المكان مفعولاً:
- كانت مكتبة جندي سبور أكبر مكتبة في العالم.
 - أرى مسجداً كبيراً في المدينة.
۱۰۰. عین نوع الأسماء على الترتیب. «ذهبت إلى متجر بالعب الملابس الذي عنده سراويل أفضل.»
- اسم المفعول - اسم الفاعل - اسم التفضیل
 - اسم المفعول - اسم المفعول - اسم التفضیل
 - اسم المكان - اسم الفاعل - اسم التفضیل
 - اسم المفعول - اسم المفعول - اسم التفضیل

آزمون (درس اول) ؟

رديف		الامتحان												
0/5	1	ترجم الكلمات التي تحتها خط: الف) يَنْسُ الأشمُ السُّوقَ بَعْدَ الإيمانِ، _____ ب) ذهبتُ إلى المطبعةِ _____												
0/5	2	أكتب في الفراغ الكلمتين المتضادتين و الكلمتين المتضادتين. (موتى، زُتْماء، لحم، عسى، أحياء) الف) _____ - _____ ب) _____ = _____												
0/5	3	عَيِّن الكلمةَ الفُريئةَ في التعنُّي: الف) تجسُّس، استهزاء، تواصل، سوء الطَّن ب) أحسن، غير، أمدى، أحي												
0/5	4	أكتب مفرد أو جمع الكلمتين: الف) الجمع لكلمة محزون _____ ب) المفرد لكلمة اليهائم _____												
مهارت ترجمه به فارسي														
4	5	ترجم الجُمْلَةَ التَّالِيَةَ إلى الفارسيَّة: الف) هو محاولة ليخفِّئُ إخفاءً أسرارِ الناسِ لِيُضجِّهم و هو مِن خيارِ الذُّنوبِ. ب) لا يكونُ بينَ الناسِ من هو أحسنُ مِنَّا، فقلينا أن نتبعَ عَنِ العَجَبِ. ج) أدعُ إلى سبيلِ رُكِّ بالحكمةِ و الموعظةِ الحسنةِ و جادلهم بالتي هي أحسنُ. د) تم سحرُ هذا العيصِ الرجائي؟ ليس شيءٌ أثقلُ في الميزانِ مِن الخُلُقِ الخُسنِ.												
1/5	6	ترجم العبارات التالية. <table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <tr> <td>أعطى</td> <td>جاءهم</td> <td>أن لحاظ</td> </tr> <tr> <td>_____</td> <td>_____</td> <td>_____</td> </tr> <tr> <td>أرضى</td> <td>تجئت</td> <td>لا يملك</td> </tr> <tr> <td>_____</td> <td>_____</td> <td>_____</td> </tr> </table>	أعطى	جاءهم	أن لحاظ	_____	_____	_____	أرضى	تجئت	لا يملك	_____	_____	_____
أعطى	جاءهم	أن لحاظ												
_____	_____	_____												
أرضى	تجئت	لا يملك												
_____	_____	_____												
مهارت شناخت و کاربرد قواعد														
1	7	عَيِّن اسمَ المكانِ و اسمَ التفضيلِ في هذه العبارة و ترجمتهما: «ذلك متجَرٌّ زَميلي له سراويلٌ أفضلُ» اسم المكانِ: _____ معناه: _____ اسم التفضيلِ: _____ معناه: _____												
1	8	عَيِّن المحلَّ الإعرابيَّ للكلمات التي أُشيرُ إليها بخط. الف) أَهْلُ الأعمالِ لَكَسَبٍ مِنَ الحلالِ. _____ ب) أنزل اللهُ سَكينته على المؤمنينِ. _____												
0/5	9	عَيِّن المطلوب: رُتْمًا يُعَدُّ لَأَتَمِّم مكارم الأَخلاقِ. (الفعل المجهول، جمع مَكسر) _____												

آزمون ۳ (نیم سال دوم)

والعربی

۱. ترجم الكلمات التي تحتها خط (كلماتي را كه زیرش خط کشیده شده ترجمه کن)
الف) كانت تلقي محاضراته. ب) تخطوا إلى الكذب على مواته. /۵
۲. أكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين.
الف) _____ - _____ ب) _____ - _____ (النَّجْح - عَيْس - الْجَمَال - زُيْمَا) /۵
۳. عین الکلمة الفریة فی النغی:
الف) الكذاب، الغفار، جوال الجبار ب) اتقى أمم أحقر، أعلى /۵
۴. أكتب مفرداً أو جمعاً للكلمتين:
الف) الجمع بالحاسوب ب) المفرد بالأسنان /۵

مهارت ترجمه به فارسی

- ترجم الجمل التالية إلى الفارسية:
الف) جايلهم بالتي هي أحسن إن ربك هو أعلم بمن ضلّ عن سبيله.
ب) كان بينهم طالب فشاغف قليل الأدب يقرأ الطلاب بسلوكه.
ج) كان العرب ينظرون الكلمات الأجنبية وفقاً لاستخدامهم.
د) أوصت شميل زملاءها أن يشكّلوا فريقاً للحوار الثقافي.
هـ) ما الجامل يجيب ليل أن يسمع و يحكم بما لا يعلم.
و) عهقت رابع شديدة حرجت تينا جنب شاطي البحر.
ز) قد يدفن الشنجات بعض جوزات البلوط السلمية. ۵

- انتخب الترجمة الصحيحة: (ترجمه درست را انتخاب کن)
الف) شلل النسي: أي مال خيز؟
۱. برسيده شد
ب) يا أيها الذين امنوا اجتنبوا كثيراً من القرن. أي كسائي كه ايمان آورديد
۱. به بسياری از گناهان اعتماد نكنيد.
۲. از بسياری گمان ما دوري كنيد. /۵
- كُلّ الفقرات في الترجمة الفارسية.
الف) أمرني بأداء الفرائض به انجام
ب) تارة يهمنس إلى الذي جنبه با کسی که کنارش بود
ج) الناس نيام قاندا ماتوا التيهوا. مردم پس وقتی بيمرند /۵

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

- ترجم الكلمات التي تحتها خط.
الف) كنت قد بحثت عن
ب) التلاميذ لن يسألوا في هذه الأيام.
ج) علينا أن لا نخرج الآخرين.
د) لا تياسوا من رحمة الله
هـ) لا تنسى مكانه.
و) لم تنسى مكانه.
ز) كان عندكم كتب مفيدة.
ح) ترجم ما أشير إليه بخط /۲

٩	عَيِّن المطلوب منك: الف) تَكَلَّمُوا تَكَلَّمُوا (نوع الفعل) _____ ب) لا تَسْتَشِيرُكَ كَذَّابٌ (نوع طاء) _____ ج) تَحِيَّتٌ _____ تمارين من اللرس (الثالث، ثلاثة / السابع / سبعة)	١												
١٠	الف) اكتب ترجمة ما أشير إليه بخط: ١. لِيَتَّبِعُوا عَنِ الْكُذْبِ _____ ٢. اصْبِحِ الْجَوُّ بَارِدًا فِي مَنَا الْهَيْفِ _____ ٣. لَسْتُمْ مَتَكَلِّمِينَ _____ ٤. لَمْ يَلْتَقُوا إِلَيْهِ _____ ب) ترجم هذه العبارة. صفِّي الإنسان أن لا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعْرَضُ نَفْسُهُ لِلتَّهْمِ، _____	١/٥												
١١	انتخب كلمة مناسبة للفراغ: الف) ما يَرِيدُ اللهُ _____ عَلَيَّكُمْ مِنْ خَرَجٍ (لِيَتَجَعَلَ / لِيَجْعَلَ / لِيَتَجَعَّلَ) ب) أَرِيدُ _____ إِلَى سَوَاقِ الْخَطَابِ. (أَنْ أَذْعَبَ / لَمْ أَذْعَبْ / إِنْ أَذْعَبُ)	٠/٥												
١٢	عَيِّن المحل الإعرابي للكلمات التي أشيرُ إليه بخط: الف) هو محاولةٌ فيبحةٌ لكشف أسرار الناس _____ ب) قد بين علماء اللغة أبعاداً من التأثير في دراساتهم _____	١												
١٣	عَيِّن اسم التفضيل، اسم التكره و فعل الشرط ثم ترجمها. الف) في أي مدينة تقع أكبر المكتبة؟ ب) ما تنتقوا من غير عظمه الله	١/٥												
	<table border="1"> <thead> <tr> <th>فعل الشرط</th> <th>معناه</th> <th>اسم التفضيل</th> <th>معناه</th> <th>اسم التكره</th> <th>معناه</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> </tr> </tbody> </table>	فعل الشرط	معناه	اسم التفضيل	معناه	اسم التكره	معناه							
فعل الشرط	معناه	اسم التفضيل	معناه	اسم التكره	معناه									
مهارت درك و فهم														
١٤	عَيِّن الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب الحقيقة و الواقع: ✓ x الشعي لمعرفة أسرار الآخرين أمر جميل. الانكاف هو التجمع و الدوران حول شيء. المشك يطبخ بخذ من نوع من الفولان. لإعادة مثل التكر.	١												
١٥	عَيِّن العبارة الفارسية المناسبة للعبارة العربية: ١. خير الأمور أوسطها. الف) كم كوي و كريد كوي چون در / تا ز اندك تو جهان شود بر ٢. عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل. ب) اندازه كه دار كه اندازه كوست / هم لايق دشمن است و هم لايق دوست ٣. خير الكلام ما قل و دل.	٠/٥												
١٦	عَيِّن الكلمة المناسبة: الف) التي أستاذ الجامعة _____ حول شميل. محاضرة / مسجلاً ج) إنها ثاني أكبر مدينة في تركيا بعد إسطنبول. قونية / انقره د) لم ينجح بل خيسر. قيشل / تديم	١												
١٧	أجب عن الأسئلة: الف) كيف يجب على الطالب أن يجلس أمام المعلم؟ _____ ب) يتم تذهب إلى المدرسة؟ _____	٠/٥												
مهارت مکالمه														
١٨	رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً. الأدوية - استم - الأدوية - في نهاية - ين - استم - المششوصف - أين - همز ؟ -	٠/٥												



پاسخنامه

خودآزمایی

جمله ها را ترجمه کن سپس زیر اسم تفضیل یک خط و زیر اسم مکان دو خط بکش.

- الإعجاب بالثمن من أبيع الأعمال خودپسندی از زشت‌ترین کارهاست.
- افتتح أكبر مكتبة في مدرستنا بزرگ‌ترین کتابخانه در مدرسه ما افتتاح شد.
- أكلنا في المطعم الأ طعام در رستوران لذیذترین غذا را خوردیم.
- الحياة حسنة ولكن في النساء أحسن حیا نیکوست ولی در زنان نیکوتر است.
- خير إخوانكم من أهدى إليكم عيوبكم بهترین برادران شما کسی است که به شما عیب‌هایتان را هدیه دهد.
- شئ الناس من لا يعتقد الأمانة بدترین مردم کسی است که به امانت اعتقاد ندارد.
- تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة یک سال تفکر بهتر از ۷۰ سال عبادت است.
- ذلك متجرب صديقي این مغازه دوستم است.

تمرین های تشریحی

- الف) کلمات مشخص‌شده را ترجمه کن.
- آلوده شدن به گناه / تا کامل کنم
 - ارتباط / مغازه
 - به آن‌ها لقب ندمید / کم شد گمراه شد
 - گناه / دورو
- ب) مترادف و متضاد را مشخص کن.
- عسی - رثما / ذنب - اثم / عاب - لمز / التسانج - الزجاجي / أغلى - أرخص / غالي - رخيص / العائل - الجامل / ساء - حسن / ميت - حي / حقي - ظالم

- ج) مفرد و جمع کلمات را بنویس.
- مفرد: کباب، کبیره / الثاب، لقب / أرذل، أفضل، أفضل / اموات، هیت / تراويل، سروال
 - جمع: بيمه، بهائم / تنبیه، أسباب / فکتب، کتاب / يبر، أسعار / زميل، زملاء / فستان، فساتين

- د) فعل‌های زیر را ترجمه کن.
- آن را ناپسند می‌دارند / گاهی می‌باشد / جاسوسی نکنید / با آن‌ها ستیز کن / به من بده / فرستاده شدم / چیره شد / پناه می‌برم / اعتقاد ندارد / نامید.

- الف) عبارات را ترجمه کن.
- گاهی بین مردم کسی است که از ما بهتر است.
 - بزرگ‌ترین عیب آن است که عیبی را بجویی که مانند آن در خودت باشد.
 - تلاشی زشت است برای آشکار ساختن رازهای مردم برای رسوا کردنشان که از گناهان بزرگ است.
 - غیبت از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است.
 - همانا پروردگارت به هرکس که از رامش گمراه شد، دانناز است.
 - بیراهن سفیدی از مغازه دوستم خریدم.
 - هرکس اخلاش بد شود خودش را عذاب می‌دهد.
 - ای پوشاننده عیب‌ها و ای دانای نهان‌ها.
 - آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مردمش را بخورد؟ این کار

را ناپسند می‌دارید، از خدا پروا کنید. خداوند توبه‌پذیر مهربان است.

۱۷. خداوند آرامشش را بر رسولش و بر مؤمنان نازل کرد.

ب) جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.

- ای کسانی که ایمان آوردید نباید مردمانی مردم دیگر را مسخره کنید. شاید آن‌ها از خودشان بهتر باشند نه زنانی زنان (دیگر) را (نباید مسخره کنند).
- آن تلاشی زشت است برای کشف اسرار مردم برای رسوایی‌شان است.
- آیه اول ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید، از دیگران عیب‌جویی نکنید.
- بر ما لازم است که از خودپسندی دوری کنیم و این‌که عیب‌های دیگران را ذکر نکنیم.
- بهترین دوستان شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد.
- خداوند کسی را جز به اندازه توانش مکلف نمی‌کند.
- در میزان چیزی سنگین‌تر از خوش اخلاقی نیست.

- ج) ترجمه مناسب را انتخاب کن.
- | | | |
|---------|---------|---------|
| ۲۵. الف | ۲۸. ب | ۳۱. ب |
| ۲۶. ب | ۲۹. الف | ۳۲. الف |
| ۲۷. الف | ۳۰. الف | |

- الف) موارد خواسته‌شده را مشخص کن.
- أحسن اسم تفضیل / التلس، مضاعف إليه
 - أخبر، مبتدا / فیکه جار و مجرور
 - أسرار، کباب، الذنوب، جمع مکسر
 - التواضع، مصدر فعل گروه دوم / أهدى، اسم تفضیل
 - هل، فعل ماضی / أظلم، اسم تفضیل
 - أیض، صفت / متجرب، اسم مکان
 - خلق، فاعل / تش، مفعول
 - سار، علام، اسم مبالغة
 - أخذ، فاعل / م مفعول
 - سکینه، مفعول / رسول، مجرور به حرف جر

- ب) عملیات ریاضی را بنویس.
- | | |
|-------------|-------------|
| ۴۳-۱۸-۹۰۰۵ | ۴۶-۱۱-۱-۱۲ |
| ۴۴-۱۰۰-۲۰۰۵ | ۴۷-۳۳-۶۶-۹۹ |
| ۴۵-۳۰-۱۷۰۱۳ | |

- ج) موارد خواسته‌شده در جملات و ترکیب‌ها را بنویس.
- اسم تفضیل، أكبر / جار و مجرور، من أكبر / في مكتب مصدر، الاستهزاء
 - فعل نهی، لا تلقوا / جمع مکسر، أتاب / م مفعول
 - اسم فاعل، خلق / اسم مفعول، مخلوق / اسم مبالغة، غتار
 - فعل امر، اغفر / همیر دوم شخص، أنت / تش وأرحمته، خبر
 - اسم تفضیل، شر / تش الحیانه، مفعول / نوع فعل، ولا يعتقد، مضارع منفی
 - الأفاضل، فاعل / مفرد و الأفاضل، أفضل / معنی و أرذل، فرومایگان
 - فاعل، الآية مفعول نا / صفت، الأولى

- د) جواب صحیح را انتخاب کن.
- فعل مجهول، یعدت
 - مترادف و ائمه، ذنب
 - کلمه مناسبه لهذه العبارة سوء الظن
 - اسم تفضیل، خیر
 - خبر، امر
- ه) جدول را کامل کن.

الماضي	المضارع	الأمر / النهي
قد أحسنت	تحسبن	أحسبوا
نیکی کردی	نیکی می‌کنیم	نیکی کنید

الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا تُحسِنونَ	إحسان	ح-س-ن
نیکی نمی کنید.	نیکی کردن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
اجتنب	سوف یجتنبان	اجتنبوا
دوری کرد.	دوری خواهند کرد.	دوری کنید.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا تجتنب	اجتنب	ح-ن-ب
دوری نمی کنید.	دوری کردن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
عذبتا	تُعذبن	لا تُعذبن
عذاب دادند.	عذاب می دهید.	عذاب ندهد.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
ما عذبت	تعذیب	ع-ذ-ب
عذاب نداد.	عذاب دادن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
استرجعوا	یسترجعون	استرجعوا
پس گرفتند.	پس می گیرند.	پس بگیرید.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا تسترجعون	استرجاع	ر-ج-ع
پس نمی گیرید.	پس گرفتن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
تعرجنا	سأتعرج	لا تعرجی
دانش آموخته شدیم.	دانش آموخته خواهم شد.	دانش آموخته نشو.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
ما تعرجت	تعرج	ع-ر-ج
دانش آموخته نشدم.	دانش آموخته شدن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
قد اشتغلتم	تشتغلن	اشتغل
کار کردید.	کار می کنید.	کار کن.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
لا تشتغلین	اشتغال	ش-غ-ل
کار نمی کنید.	کار کردن	
الماهی	المضارع	الأمر / التهی
حاول	سوف یحاول	حاولی
تلاش کرد.	تلاش خواهند کرد.	تلاش کن.
الثی	المصدر	الحروف الأصلية
ما حاولنا	محاولة	ح-و-ل
تلاش نکردیم.	تلاش کردن	

الف) بر اساس متن به سؤالات پاسخ دهید.

۶۱. کُتِبَ عملٌ انبیةً بأكل لحم الأخ.

۶۲. لا یجوز التجسس فی امور الآخرين.

۶۳. سورة الحجرات.

۶۴. العجب، الغیبة، سوء الظن، التجسس و.....

۶۵. لأمر المؤمنین (ع).

۶۶. خاطب الله الذین آمنوا (المؤمنین).

ب) متن را بخوان و به سؤالات پاسخ بده.

ترجمه متن، ونهستین مسئولیت زن توجه به خانواده است. اخلاقیاتی که در خارج از خانه دیده می شود نتیجه بذر اولیای است که مادر در خانه کاشته است. مادر در ذهن کودک اخلاقی را که در زندگی اش دنبال خواهد کرد، ترسیم می کند. به همین دلیل، معتقدیم اصلاح واقعی مردم در تربیت دختران است. علاوه بر این از دیگر وظایف زنان شرکت در فعالیت های اجتماعی است و از برترین این فعالیت ها مبارزه با فقر و نادانی و بیماری است.

۶۷. **گزینه ۱** مادر نمونه کسی است که... وظایف خانوادگی و اجتماعی را یکجا جمع کند.

ترجمه سایر گزینه ها: گزینه ۲، «با بیماری ما مبارزه کند و پزشک شود و تربیت فرزندانش را بر ما کند» / گزینه ۳، «بیرون از خانه کار نکند و دوست داشته باشد فرزندانش زیاد داشته باشد» / گزینه ۴، «به وظایف اجتماعی نپردازد و به تربیت فرزندانش برسد».

۶۸. **گزینه ۲** «مبارزه با بیماری چگونه از سوی مادر محقق می شود؟» گزینه نادرست «وقتی کودک بیمار شود و پزشکان او را معالجه کنند».

ترجمه سایر گزینه ها: گزینه ۱، «وقتی که به فرزندانش پرمیز از آلودگی ها را آموزش دهد» / گزینه ۳، «وقتی پزشک شود و بیماری ها را درمان کند» / گزینه ۴، «هنگامی که به تربیت فرزندی سالم اقدام کند».

با توجه به گزینه ها، گزینه ۲ ارتباطی با نقش مادر در درمان بیماری ها ندارد. ۶۹. **گزینه ۴** «اگر تبهکار از خانواده های خوشبخت بهره می برد، چه بسا جرمی مرتکب نمی شد».

گزینه ۱، کودک - زن - اقدام می کند به / گزینه ۲، انسان - فرهنگ - اقدام نمی کرد به / گزینه ۳، خانه - به اخلاق - بخش نمی شد. / با توجه به جمله، گزینه ۴ مناسب است.

۷۰. **گزینه ۴** «مقصود متن، اهمیت نقش زن در اصلاح جامعه».

گزینه ۱، «احترام به مادران در جامعه».

گزینه ۲، «بی توجهی به تربیت پسران در پیشرفت جامعه».

گزینه ۳، «اختصاص تربیت به دختران».

تمرین تستی

۷۱. **گزینه ۲** در این گزینه متضاد نداریم. متضاد در سایر گزینه ها: گزینه ۱، «ابتعاد دوری» و «تقریب نزدیکی» / «ارزاده فرومایگان» و «افاضل شایستگان» متضاداند. گزینه ۳، «ارخص ارزان تر» و «غالیه گران» متضاداند. گزینه ۴، «لنگ» به «تغ توه» و «علیک» بر «هد توه» متضاداند.

۷۲. **گزینه ۳** «ولا یتكلف مضارع منفی، مكلف نمی کند، تكلیف نمی کند» «وإسح، توانایی».

۷۳. **گزینه ۳** «وإسح، بد شده» و «إسح، مترادف نیستند» (در واقع هیچ ارتباطی بین این افعال نیست).

۷۴. **گزینه ۲** بررسی سایر گزینه ها: «جمع اکبر، آتابر» (جمع اسم تفضیل بر وزن «افاعل» است) و «لحم، لحموم» و «ذنب، ذنوب».

۷۵. **گزینه ۱** «ولا تقبومونم بالثب» به آن ما لقب های تمیذی (القاب - جمع) (ردگزینه های ۲، ۳ و ۴) «یتكلمونهم» آن را ناپسند می دارند، ناپسندشان می دارند. «یتكلمون- مضارع، سوم شخص جمع / ما - مفعول (آن را) (ردگزینه های ۲، ۳ و ۴).

۷۶. **گزینه ۳** «ویحب، دوست دارد» (فعل مضارع) (ردگزینه ۲) «أحلكم، کسی از شما» (ردگزینه ۱) «وأحیه میتة، برادر مردمش» (ردگزینه های ۱، ۲ و ۴) «تكرمتوه آن را زشت می شمارید، آن را ناپسند می دارید» (ردگزینه ۱).

۷۷. **گزینه ۲** «وتصحننا الآیة الأولى، آیه اول ما را نصیحت می کند» (نصح - فعل مضارع / نا - مفعول (مارا) / «والأولی» (صفت برای آیه) (ردگزینه ۱ و ۴) لا تصیبا الآخرین، از دیگران عیب جویی نکنید. (ردگزینه ۳) (ردگزینه ۳ «هرگز زائد و در گزینه ۴ «ابتداء زائد است. «والأولی» صفت برای «آیه» است).

۷۸. **گزینه ۲** «والشیب بیری» (ردگزینه ۳) و در گزینه ۱ «همیر» و «ما» و «آن ماه زائد است. / «علی الشیاب» بر جوانان لازم است، جوانان باید» (ردگزینه